



## رسانه‌ها و القاء دزدی در کشور

سیداحمد علم‌الهدی، امام‌جمعه مشهد در خطبه‌های این هفته نماز جمعه گفت: «تا پیش از انقلاب، سرنوشت مردم ما تسلیم یک عده دزد چپاولگر نظام ستم‌شاهی بود اما نهضت امام(ره) کاری کرد تا مردم به میدان بیایند و در همه حوزه‌ها مطالبه‌گری کنند. در شرع مقدس هم امر به معروف و کنای نهی از منکر آمده تا راه مقابله با فساد به‌عنوان یک حرکت خیر با نهی از منکر همراه شود. مطالبه هم باید همین‌طور باشد. مطالبه‌گری خوب است اما به‌شرطی که به همراه ایراد و انتقاد، راه درست و خیر را هم به مسئول نشان بدهد. مطالبه‌گری ما نباید به دشمن جسارت بدهد و رسانه‌های معاند را در تخریب نظام تقویت کند.» او همچنین گفت: «در این شرایط، رسانه معاند در تربیون خود مدام تلاش می‌کند به مردم القاء کند که در کشور ما دزدی می‌شود اما برای ما امیدوارکننده است که مسئولان ما فساد را کشف و اموال را ضبط می‌کنند تا حق مردم دوباره به بیت‌المال بازگردد.»



## در دوره سیاهی از تاریخ قرار داریم

رسول فلاحی، امام‌جمعه رشت در خطبه‌های این هفته نماز جمعه با اشاره به گسترش تکنولوژی و فضای مجازی بر ویژگی رازداری تاکید کرد و گفت: «در دوره سیاهی از تاریخ قرار داریم و باید در حفظ اسرار مؤمن تلاش کنیم تا آبروی مؤمنان حفظ شود چراکه برخی اوقات بر برآمدن راه‌های فرد موجب ویران شدن زندگی می‌شود. فلاحی با تاکید بر اینکه قرار گرفتن ابزارهای رسانه‌ای که در اختیار ما قرار دارد می‌تواند در یک شب زندگی یک فرد را نابود کند، افزود: «خداوند در یکی از آیات سوره مائده در قرآن کریم پرس‌وجو و کنکاش در خصوص راه‌های مردم را نهی کرده است.»



## سپاه، سیمای زمینی آیات الهی است

حسین سلامی، فرمانده کل سپاه در اختتامیه چهل‌ودومین دوره مسابقات قرآن کریم سپاه پاسداران گفت: «سپاه سیمای زمینی بسیاری از آیات الهی است و سرشت و ذات خلقتش براساس تقوا است که در سپاه یک حقیقت جاری است و باید هم این‌گونه باشد.» او ادامه داد: «رهبر انقلاب در یکی از بازدیدها از دانشگاه امام حسین (ع) فرمودند سپاه، مصداق آیه شریفه فیه رجال یحیون ان یتطهروا واللّه یحب المّطهّرين است. چون سرشت و ذات سپاه پاسداران براساس تقواست و تقوای الهی در سپاه یک حقیقت جاری است.» سلامی با بیان اینکه اعضای حاضر در سپاه باید حافظان حدود الهی باشند، افزود: «ما باید منعکس‌کننده ارزش‌ها و فضیلت‌ها باشیم. طبق آیه اشداء علی الکفار رحماء بینهم، سپاه پاسداران باید در مقابل مردم، متواضع و نرم‌خو باشد و خود را پایین ببیند اما در مقابل دشمن، مقاوم و عزیز باشد. کسی که از ملامت سرزنش‌کنندگان نمی‌ترسد برای عزت و اقتدار اسلام آبروی خود را با خدا معامله می‌کند.»

# کدام مشارکت؟

## گزارشی از مناظره احمد زیدآبادی و علی خضریان در دانشگاه امیرکبیر

**گروه سیاسی:** «ضرورت مشارکت بالا در انتخابات» و «مجلس و دولتی که انتظار می‌رود روی کار بیاید و البته میزان کارآمدی و ناکارآمدی این نهاد‌های انتخابی و ضرورت تغییر و تحول یا حفظ وضع موجود همه از جمله موضوعاتی است که در آستانه هر دور از انتخابات کشور مورد بحث قرار می‌گیرد. چهار سال پیش وقتی مجلس دهم روزهای پایانی را سپری می‌کرد بحث بر سر اینکه دولت و مجلس با دیگر ارکان حکومت همسو و یکدست بشوند یا باردیگر جریان متفاوت روی کار بیاید (فارغ از بحث رصلاحیت‌ها) مورد بحث بود و در انتخابات ۱۴۰۰ هم برخی با همین رویکرد به سمت «رای ندادن» برای همراهی با یکدست‌سازی رفتند، با این دیدگاه که برداشتن تمرکز از اختلافات داخلی فضا را برای برنامه‌ریزی و اجرای هماهنگ فراهم می‌سازد و کشور به روش اصولگرایان یک‌دست شده از بن‌بست‌ها خارج شود اما استمرار وضع بد سابق و حتی بدتر شدن وضع جامعه در بخشی از موارد باردیگر بحث مشارکت و چه کسی باید روی کار بیاید و چگونه از ناکارآمدی‌ها در سطوح مختلف نجات پیدا کنیم، به میان آمد. در همین راستا واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه امیرکبیر در جلسه‌ای با عنوان «گره مشارکت در دستان خانه ملت» مناظره‌ای میان احمد زیدآبادی، فعال سیاسی و روزنامه‌نگار و علی خضریان، نماینده کنونی مجلس برگزار کرد که بخش اول آن در ادامه می‌آید:



**احمد زیدآبادی:**  
**انتخابات راه بالا رفتن نیروها به قدرت و پایین کشیدن‌شان از آن‌جا به طریق مسالمت‌آمیز است. همه این‌ها در جامعه ما مفقود است**

**در اولین مورد از عوامل کاهش مشارکت و کاهش حضور مردم در انتخابات مسئله اقتصادی یا کارآمدی مطرح است، اما این کارآمدی جدید یک مقدار خودش را در اقتصاد بیشتر نشان می‌دهد و خیلی از کارشناسان معتقدند یکی از مسائلی که سبب شده مردم کمتر در انتخابات حضور داشته باشند و کمتر مشارکت کنند، شاید مسئله ناکارآمدی است. حال این‌که این صحبت چقدر اصالت دارد محل بحث است. آقای زیدآبادی نظر شما در این زمینه چیست؟**

احمد زیدآبادی: فکر می‌کنم ۲۵ سال است که این دانشگاه نیامده‌ام و زمانی که حضور پیدا می‌کردیم سالی بزرگ پر از جمعیت، شور، نشاط و هیاهو وجود داشت و فکر می‌کنم این نتیجه سیاست‌زدایی از جامعه و همین‌طور سرخوردگی عمیق سیاسی است که رخ داده است. این علامت علاوه بر همه علامت‌های بعدی نشانی از وضعیت خیلی‌ها است. مشارکت مانند هر مفهوم دیگری یک تاریخ، ادبیات، مضمون، محتوا، اصول و قواعدی دارد که بدون آنها نمی‌توان نام مشارکت را مطرح کرد. از اصول و قواعد پایه‌های مشارکت یکی این است که شما در یک جامعه برای همه افرادی که آن‌جا ساکن هستند، اتباع آن کشور و شهروندان حق‌بیکسان و برابری قائل باشید و حاکمیت را هم متعلق به همه این‌ها بدانید و در واقع این‌ها بخواهند خودشان را با یک مکانیزمی اداره کنند، مسئولیت خودشان را بر عهده بگیرند و بالاخره سیستم، دولت یا نهادی را تشکیل دهند. پس اولین پایه مشارکت این است که چنین حقی برای تمام اتباع فارغ از این‌که چه اعتقاد، مذهب، رنگ، زبان یا هر چیز دیگری دارند، قائل باشید. پس از این مکانیزمی است که این‌ها باید در آن اعمال حاکمیت کنند. معمولاً در دنیا مردم از طریق نهاد انتخابات افرادی را برمی‌گزینند که آن‌ها از جانب‌شان بتوانند اعمال حاکمیت کنند که این هم از طریق یک رابطه بلافاصل صورت نمی‌گیرد یعنی لزوماً باید نهاد‌های سیاسی، مشخصاً حزب سیاسی شکل گرفته باشد که این احزاب نحوه اداره کشور را در بین نیروهای خودشان به بحث و گفت‌وگو می‌گذارند، پخته می‌کنند، با کارشناسان وسیعی صحبت می‌کنند و در نهایت آن را به جامعه عرضه کرده و با برنامه‌های بدیل همدیگر با هم رقابت می‌کنند و کسانی آن بالا می‌روند، وقتی آن‌جا رفتند باید یک سلسله کارها و وظایفی را انجام دهند و اگر نتوانند پس از مدتی که به آن‌جا می‌روند و آزمون‌شان را پس می‌دهند، همان مردم تصمیم می‌گیرند که این‌ها را از طریق یک سازوکار مسالمت‌آمیز که به آن انتخابات می‌گویند، عوض کنند. یعنی انتخابات راه بالا رفتن نیروها به قدرت و پایین کشیدن‌شان از آن‌جا به طریق مسالمت‌آمیز است. بعد هم این‌ها در واقع باید بتوانند این مشکلات را حل کنند. همه این‌ها در جامعه ما مفقود است یعنی در واقع شما یک اسمی از مشارکت دارید که متأسفانه مثل برخی از مفاهیم دیگر از محتوا خالی شده و تنها یک اسم باقی مانده است؛ مردم را به صورت توده‌وار پای صندوق‌های رای کشاندن بدون این‌که حزب، تشکیلات یا نهادی بخواهد پاسخگو باشد. بالاخره افرادی هم از طرق مختلف سرند می‌شوند، در ابتدا باید نهاد‌های امنیتی نظر بدهند، سپس شورای نگهبان براساس آن‌ها نظر بدهد و... این افراد بدون کارنامه و گرایش حزبی مشخص با سلسله‌شعارهای بسیار پوپولیستی و اخیراً فکر کنم شارلاتانیستی، همین‌طور در شهر شلوغ می‌کنند و حرف‌هایی هم مطرح می‌کنند بدون این‌که مسائل مربوط به کشور باشد و نتیجه این است که می‌بینید. در واقع مشارکت از بنیان مشکل دارد زیرا مشارکت امری نمایشی و تزئینی نیست که هر دوره‌ای بگویند این تعداد آمدند، رای دادند یا رای ندادند. زمانی هست که در برخی کشورها مانند کشور ما این سازوکار اساساً معیوب کنترل شده است و در اختیار کسانی قرار دارد که صاحب قدرت و ثروت هستند. بحث دیگری هم وجود دارد و آن بحث کارآمدی است. از همین آب و

بخش اول

همه نهادها و اعمال اراده آن‌ها و تأمین آزادی‌ها، عدالت و رفاه یا مدل چینی هم وجود دارد که این کارها را نمی‌کند، اما دولتی شکل گرفته که می‌تواند به اقتصاد رشد بدهد و برخی از معضلات را حل کند. مسئله این است که نه این شده و نه آن، به نظر من مناظره‌ای نباید بین من و آقای خضریان صورت بگیرد بلکه فکر کنم آقای خضریان باید این‌جا پاسخ بدهند که شما مدت‌هاست در مجلس هستید، همفکر هایتان آن‌جا هستند، دولت را گرفته‌اید، تمام نهاد‌های اطلاعاتی و امنیتی هم که هماهنگ هستند و آن‌هایی که می‌گفتید عامل جلوگیری و مشکل هستند که سراغ کار خودشان رفتند، هر کدام در دفترهایشان گوشه‌ای منزوی شدند. شما پاسخ بدهید که چه کردید و چه می‌خواهید بکنید؟ این شوخی بردار نیست؛ ممکن است در دوره‌ای بشود مشارکت را محدود کرد و تعدادی را حذف کرد، این‌ها که شده است اما بحث کارآمدی را می‌خواهید چه کنید؟

بد نیست در بحث به جنبه‌ها و مواضعی ورود کنیم که نشود به آن انگ پوپولیستی بزینم؛ یکی از چیزهایی که خیلی از کارشناسان می‌گویند بحث قیمت بنزین است. آقایان می‌گویند ما حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سالانه سوسسید می‌پردازیم، صد میلیارد دلار تروزی هنگفت و درآمدی خارق‌العاده است. چرا دولت جرأت نمی‌کند به این نزدیک شود؟ همین که مطرح می‌شود فوراً عقب می‌نشیند؟ خب این حتماً دلیلی دارد و این تازه چیزی است که خیلی‌ها می‌گویند به ضرر مردم و به نفع دولت است. ۱۴۰ میلیون لیتر بنزین سوخته می‌شود و مدام به طور تصاعدی بالا خواهد رفت. یعنی به نقطه‌ای می‌رسیم که تقریباً کل این نفت را باید تبدیل به بنزین و مشتقاتش کنیم تا دود شود و به هوا برود. ما کاری به آن‌ها که تحریم می‌کنند، نداریم. به هر ترتیب نمی‌تواند وارد شود، وقتی نمی‌توانید مشکلات را حل کنید و انباشت مشکل رخ دهد، به این معناست که اعتماد بشر به عقلانیت از دست می‌رود و فضایی کاملاً ضدعقلی به وجود می‌آید که همه دنبال یک منجی شبیه آنچه در آلمان، ایران اوایل قرن بیست، یا افغانستان زمان امان‌الله خان ظهور کرد یا آنچه در ایتالیا و در آلمان رخ داد؛ یعنی فقط یک راه حل فاشیستی باقی می‌ماند و فاشیسم از دل ویرانی بلند می‌شود و سلسله چیزهایی را سامان می‌دهد و چون روحیه تهاجمی دشمن سازگار است آن هم منهدم می‌شود و بعداً نیروهای خارجی می‌آیند و برایش تعیین تکلیف می‌کنند. مشکلات اصلی این‌ها هستند و به نظر من لازم نیست در انتخابات بگویم مشارکت اتفاق می‌افتد یا خیر، همه چیز دست آقایانی است که بوده‌اند، بحث سر این است که می‌خواهند چه کار کنند، یعنی مردم الان این احساس را دارند، هیچ برنامه‌ای دیده نمی‌شود، هیچ راه‌حلی در نظر گرفته نمی‌شود و سر راه حل بحث نمی‌شود و تمام بحث‌ها به خارج از کشور رفته است که در غزه چه می‌گذرد و ما در آن‌جا برنده یا بازنده می‌شویم؛ گویی غزه یا لبنان تحت حاکمیت ایران است یا مثلاً بحث حجاب را چه کردیم و چند رستوران را پلمپ کردیم، چند تذکر دادیم، چند پرونده ساختیم، چند ماشین‌ها را توقیف و جریمه کردیم و... معمولاً این‌ها به عنوان دستاوردها مطرح می‌شود و یکسری چیزها هم که وظیفه حکومت‌هاست و باید انجام بدهند، آن‌ها را هم خیلی بزرگ می‌کنند، در حالی که این‌جا باید سطح پیشرفت و سازندگی و توسعه در حدی باشد که اساساً این‌ها در مقابلش هیچ باشد. مثلاً متروبی از این‌جا تا برند ساخته می‌شود، آیا اینقدر سروصدا دارد؟ شما در کشورهای آسیای جنوب شرقی که جزو کشورهای عقب‌مانده تلقی می‌شدند، ببینید ۴۰ سال پیش که ما انقلاب را آغاز کردیم تا الان، سطح رشد و توسعه زیرساخت‌ها و اجراییاتشان چطور بوده و این‌جا چگونه است؟ اگر می‌خواهید کشور بماند باید این مسائل پاسخ داده شود و اگر هم نمی‌خواهید بماند و عزم کرده‌اید آن را به هم بزیند، من فکر می‌کنم قدرت آن را دارید و از ما هم بر نمی‌آید که جلوی آن را

